[خطبه‌ی اول 3](#_Toc485269819)

[فرهنگ اموي واژگوني فرهنگ نبوي 3](#_Toc485269820)

[فرهنگ اموي 3](#_Toc485269821)

[مشخصه‌هاي فرهنگ اموي 4](#_Toc485269822)

1. [تبديل خلافت به سلطنت. 5](#_Toc485269823)
2. [بيعت بی‌حساب‌وکتاب. 5](#_Toc485269824)
3. [عدم لزوم شرایط خاص براي حاكم... 5](#_Toc485269825)
4. [اطاعت بي‌چون چرا از حاكم.. 6](#_Toc485269826)
5. [كنار گذاشتن فرهنگ امربه‌معروف و نهي از منكر... 7](#_Toc485269827)
6. [اجتهاد بي‌پايه 7](#_Toc485269828)
7. [صب و لعن خاندان پيامبر گرامي اسلام... 7](#_Toc485269829)

[روضه 8](#_Toc485269830)

[خطبه‌ی دوم 9](#_Toc485269831)

[امام حسين علیه‌السلام و توصيه‌ي به تقوا در طول مسير 9](#_Toc485269832)

[گراميداشت شهادت سردار همداني به دست گروهك داعش 9](#_Toc485269833)

[توصيه‌هايي به هيئت‌هاي عزاداري 10](#_Toc485269834)

[هفته‌ي امربه‌معروف و نهي از منكر 10](#_Toc485269835)

[نقش مردم در امربه‌معروف و نهي از منكر 11](#_Toc485269836)

[هفته‌ي ورزش و تربیت‌بدنی 11](#_Toc485269837)

[روز صادرات 11](#_Toc485269838)

[اهميت سخنان رهبري در مورد مقوله‌ي نفوذ 11](#_Toc485269839)

[آثار عدم همراهي مردم با ولايت 11](#_Toc485269840)

[راه‌هاي مقابله با تفكر انقلاب اسلامي 12](#_Toc485269841)

[**دعا** 13](#_Toc485269842)

خطبه‌ی اول

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ**. **نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین، سیما بقیۀ الله فی الارضین.**

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ)[[1]](#footnote-1)** **عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة امرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل[[2]](#footnote-2) (وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خَیرَ الزاد التقوی)[[3]](#footnote-3)**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران ارجمند و خودم را به پارسایی، پرهیزکاری و فرمان‌بری از خداوند در همه‌ی احوال و شئون زندگی، سفارش و دعوت می‌کنم و از خداوند می‌خواهیم که درهای حکمت و بندگی و پارسایی را به روی همه ما بگشاید. امیدواریم خداوند همه‌ی ما را از بندگان وارسته و شایسته‌ی خود قرار بدهد.

## فرهنگ اموي واژگوني فرهنگ نبوي

در دهه‌ي عاشورا و ايام سوگواري سالار شهيدان قرار داريم؛ گرچه بحث ما در رابطه با سبك كار و تجارت و زندگي بود؛ اما امروز به مناسبت اين دهه و در آستانه‌ي عاشوراي حسيني، به‌جز از سيد و سالار شهيدان سخن گفتن، روا نيست. بحثي كه در اين خطبه تقديم محضر شما مي‌كنم مربوط به فرهنگ اموي واژگوني فرهنگ نبوي و علوي است. آنچه امام حسين علیه‌السلام را به قتلگاه آورد و حضرت را به آفرينش حماسه‌ي بزرگي واداشت و آماده‌ي تحمل آن‌همه مصائب و سختي‌ها كرد، دگرگوني در فرهنگ اسلامي و فرهنگ جامعه بود. ما مي‌توانيم بگوييم آل ابوسفیان و معاويه و يزيد و دودمان بني‌اميه سرآغاز واژگون كردن تمام فرهنگ اسلامي بودند. قصه يك قصه‌ي كوچكي نبود. داستان اين بود كه تمام هويت اسلام، تمام حقيقت اسلام، دچار تحريف واژگوني و دگرگوني شده بود.

### فرهنگ اموي

فرهنگ بني‌اميه يعني فرهنگ تحريف اسلام، دگرگون كردن ارزش‌هاي اسلامي واژگون كردن همه‌ي معيارهايي كه پيامبر خدا صلي الله عليه و آله آن را پايه‌ريزي كرده بودند. اين واقعيتي بود كه امام حسين علیه‌السلام با آن مواجه بود. يعني شرايط زمانه طوري پيش رفته بود كه فقط با يك اتفاق فوق‌العاده عظيم و بزرگ مي‌شد جلوي سيل مهاجم و بنيان برافكن را گرفت. اين فرهنگ ابوسفياني و معاويه‌اي و بني‌اميه‌اي، يك شتابي گرفته بود و باقدرت و پول و خلافتي كه در دست داشتند و با حاكميتي كه معاويه پیداکرده بود، طوري قدرت پیداکرده بود كه همه‌ي مقدرات جامعه دست آن‌ها بود و همه‌ي ارزش‌ها و معيارهاي اسلامي هم در حال دگرگوني بود. اين آن واقعيتي بود كه امام حسين علیه‌السلام با آن مواجه بود. اسم اين را مي‌گذاريم فرهنگ اموي و زیرورو شدن همه‌ي ارزش‌ها و فرهنگ پيامبر خدا و اسلام ناب.

**دو مطلب مهم عاشورا**

اين واقعيتي بود كه امام حسين علیه‌السلام در مقابل آن قرار داشت. اين واقعيت هم يك حادثه‌ي كوچكي باشد كه در كناري باشد، نبود. يك جرياني بود كه همه‌ي امت را در برمی‌گرفت. به يك معنا بحث شيعه و سني و این‌وآن نبود. ما معتقد هستيم عاشورا تشيع را احيا كرد و در آن شكي نيست. جلوي نابودي آن را گرفت. اما يك قضيه‌ي بزرگ‌تري در عاشورا وجود دارد كه آن‌هم اين است كه عاشورا جلوي اضمحلال همه‌ي امت و تمام اسلام و حداقل‌هاي اسلام را هم گرفت. اين دو مطلب در عاشورا هست. يك پيام عاشورا احيا مكتب اهل‌بیت بود. در یک‌زمان‌هایی اين مكتب به مويي بند شد. يكي بعد از پيامبر خدا، فاطمه‌ي زهرا سلام الله عليها قرباني بود كه جلوي پاره شدن اين موي باريك از مكتب را گرفت و كار فاطمه بود. يكي هم در عصر امام حسين علیه‌السلام، سيد و سالار شهيدان در سخت‌ترين شرايطي كه اگر قيام نمي‌كرد، نامي از مكتب اهل‌بیت نمي‌ماند، برخاست و جان‌فشانی كرد و مكتب و مذهب را نجات داد. این‌یک چهره‌ي عاشورا است. احياي مكتب اهل‌بیت در سخت‌ترين شرايط تاريخ.

**عاشورا و عدم اضمحلال اسلام ناب**

اما آنچه امروز بنده مي‌خواهم عرض كنم چهره‌ي دوم عاشوراست. يعني اگر عاشورا را در اين زنجيره‌ي تاريخ اسلام برداريم، خواهيم ديد كه تمام اسلام از ميان مي‌رفت. همه‌ي هويت اسلام نسخ مي‌شد. البته این‌که به نقطه‌اي هم مي‌رسيد كه ظواهر را هم كنار مي‌زد، اين هم احتمال داشت؛ ولي اگر به اين هم نمي‌رسيد همه‌ي ارزش‌هاي اسلام نسخ مي‌شد. اين فرهنگ اموي بود. حسين علیه‌السلام غير از كار اول، به فكر كار دوم هم بود. تمام مسلماناني كه امروز وجود دارند، جز اقليت‌هاي ناصبي و اموي همه مديون امام حسين علیه‌السلام هستند. چراکه اگر آن حركت نبود تمام اسلام نسخ و نابود مي‌شد.

### مشخصه‌هاي فرهنگ اموي

اين فرهنگ اموي چيست؟ كه امام حسين علیه‌السلام در برابر اين سيل مهاجم قد برافراشت و عاشورا سدي در برابر هجوم اموي شد كه تمام اركان و عناصر جامعه را گرفته بود. اين فرهنگ اموي چه مشخصه‌اي داشت؟ اين مقدمه‌ي عرض بنده بود. عاشورا دو چهره دارد. يكي احياي مذهب اهل‌بیت و دو جلوگيري از انحراف كلان از انديشه‌ي اسلامي. يعني آنچه بني‌اميه به دنبال آن بودند. بني‌اميه از زمان خلفا نفوذ كردند و زمينه‌هايي پيدا كردند و جلو آمدند تا به قله يعني خلافت معاويه بود رسيد و بعد هم ولایت‌عهدی و حكومت يزيد. اين اوج آن دسيسه بود كه امام حسين علیه‌السلام اين دسيسه را فروریخت. گرچه باز ادامه پيدا كرد؛ اما جلوي آن واژگوني كلي فرهنگي گرفته شد.

اين فرهنگ چه بود. آنچه من نوشته‌ام، مشخصات فرهنگ اموي است. به دو سه مورد از آن‌که مهم است را عرض مي‌كنم. اين فرهنگ، برخي از ويژگي‌هايي كه عرض مي‌كنم حتي برخي از علماي اهل سنت اين‌ها را ذكر كرده‌اند. برخي از مورخان اهل سنت به اين عناصر اشاره‌کرده‌اند. اشاره به این‌که در مسير جريان اسلامي يك سير و موج مخربي آمد كه نگراني اين بود كه همه‌ي اسلام دگرگون شود و چيزي از حقيقت اسلام باقي نماند. اين را برخي از اهل سنت هم گفته‌اند. حتي كساني كه دوره‌ي خلافت را قبول دارند. خليفه‌ي اول و دوم را مي‌گويند یک‌چیزهایی را رعايت مي‌كردند؛ ولي به اينجا كه مي‌رسند مي‌گويند این‌یک سيلي بود كه همه‌ي اسلام را از بين مي‌برد. ويژگي‌هاي فرهنگ اموري را در اينجا عرض مي‌كنم.

#### تبديل خلافت به سلطنت

دو اتفاق در تاريخ اسلام اتفاق افتاد كه يكي از آن‌ها تبديل امامت به خلافت بود كه به اين كاري نداريم؛ ولي كار دومي كه به دست بني‌اميه رقم خورد و بني‌اميه و بني‌مروان و بني‌عباس ادامه دادند خلافت تبديل به پادشاهي و سلطنت شد. چيزهايي كه در خلافت حفظ مي‌كردند كه آن‌ها هم از ميان برداشته شد. پايه‌گذار و از عناصر اصلي تبديل امام به خلافت و بخصوص خلافت به سلطنت و پادشاهي و موروثي بی ملاک، بني‌اميه بودند. يعني ابوسفيان و معاويه و اين‌ها تئوريسين‌هاي خلافت هم نبودند؛ بلكه نظريه‌پرداز سلطنت بودند. ملوكيت، پادشاهي. پادشاهی كه جز به يك فرد، آن‌هم بدون هيچ معيار و ملاكي ارزش نمي‌دهد و اصل را هم حكومت و مالكيت مردم مي‌داند. اين فرهنگ اموي است. جمله‌اي كه در برخي از تواريخ نقل‌شده، در عهد عثمان اين بود كه ابوسفيان گفت: چيزي كه مي‌خواستيم به دست ما آمد و اين را مانند توپ دست‌به‌دست كنيد. چيزي كه ما مي‌خواستيم وحي خدا و رسالت آسماني نيست؛ اين ملوكيت و ثروت و سرمايه و چپاول مردم و زير پا گذاشتن همه‌ي ارزش‌ها براي حاكميت شخصي است. اين فرهنگ اموي است.

#### بيعت بی‌حساب‌وکتاب

دوم این‌که اين‌ها بيعتي را به هر شكلي كه باشد، مبناي حكومت مي‌دانستند. بيعتي كه با ده نفر هم مي‌تواند محقق شود. بعد هم بيعتي كه به‌زور هم مي‌توان گرفت. بعد هم با يك بيعت آبكي و بی‌حساب‌وکتاب، همه‌ي امت مي‌گويند بايد پيرو ما شويد. اين حرفي است كه امروز داعش و متعصبان امروز هم مي‌زنند. چهار نفر انسان ناآگاه، با اكراه و زور اگر بيعت كردند اين فرد بدون هيچ قيد و شرطي خليفه‌ي امت است. اين هم تئوری بود كه از قبل ريخته شده بود و بني‌اميه به اوج رساند. بيعت را به‌جایی رساند ‌که معاويه با زور و تهديد از مردم بيعت مي‌گيرد و صلح امام حسن علیه‌السلام را زير پا مي‌گذارد و بعد هم مي‌گويد اين خليفه‌اي است كه بايد همه از آن اطاعت كنند. اين هم اصل دوم است كه بيعتي است كه پايه ندارد. بيعتي كه افراد كم و احیاناً با زور و بی‌حساب‌وکتاب و بعد هم همه را با آن مي‌سنجد. شما اين تئوری را با امامت معصومانه‌ي تشيع يا با انديشه‌ي ولایت‌فقیه كه مبتني بر شرایط و حساب‌وکتاب است مقايسه كنيد.

#### عدم لزوم شرایط خاص براي حاكم

اصل سوم اين است كه در حاكم شرایط خاصي لازم نيست. حاكم صد شرط دارد. علم، دانش، تقوا، اخلاق، جايگاه معنوي همه‌ي اين‌ها كنار برود. كار هم به‌جایی مي‌رسد كه در همان مدينه امام اعلام كرد. اين از اولين سخنان امام حسين علیه‌السلام در مدينه بعد از مرگ معاويه است كه حضرت در همان جلسه، به وليد بن عتبه مي‌فرمايد: ما خانداني هستيم با اين پايگاه وحي آسماني و دانش و يزيد مردي فاسد و بي‌اعتناي به همه‌ي ارزش‌هاي اسلام، بعد هم مي‌فرمايد: فمثلي لا يبايع لمثله‏.[[4]](#footnote-4) الآن كار به‌جایی رسيده كه آن تئوری و نظريه‌ي خلافت و پادشاهي و بيعت بی‌حساب‌وکتاب و بدون شرط در حاكم، كه از دل آن يزيد بيرون آمد است. مي‌فرمايد: فمثلي لا يبايع لمثله‏. اين خط اولي است كه حضرت در مدينه نوشت و اين نخستين شعاري است كه امام در مدينه نوشت كه آينده را ترسيم مي‌كند. مي‌فرمايد: كار به‌جایی رسيده كه از آن تئوری‌های اموي كه بيعت را این‌طور معنا كردند؛ حاكم را بدون قيد و شرط قبول مي‌كنند؛ خلافت تبديل به پادشاهي شد، از دل آن معاويه و بعد يزيد بيرون مي‌آيد. فمثلي لا يبايع لمثله‏. اين شعار اول امام در مدينه است. مانند من كه از اين دودمان پاك بر خواسته‌ام، هرگز با اين شخصي كه هيچ معيار مشروعيتي را ندارد، بيعت نمي‌كنم. اگر مشروعيت خدايي بگوييم اين دودمان در برابر پيامبر خدا بودند. اگر مشروعيت مردمي هم بگوييم بيعت و شرايطي در اين شخص نيست. به هيچ منطقي اين حكومت مشروعيت ندارد. اين هم عنصر ديگري در فرهنگ اموي است.

#### اطاعت بي‌چون چرا از حاكم

عنصر و مؤلفه‌ی چهارم در فرهنگ اموي كه بسيار مهم است و برخي از آن‌ها صدها شاهد تاريخي دارد، اين است كه اگر كسي خليفه و حاكم شد، به هر قيمتي بايد از آن اطاعت كرد. ولو كان فاسقا و فاجرا و ظالما. در مؤلفه‌های قبل مي‌گفت كه با يك بيعت بی‌حساب‌وکتاب، بدون مشروعيت خدايي و مردمي و بدون داشتن حداقل دانش و تقوا، انسان‌ها مي‌توانند جانشين و زعيم مردم شوند. حرف چهارم هم اين بود كه اگر كسي آمد به هر دليلي زعيم جامعه شد، اين از هر قيدي آزاد است. متأسفانه اين فتواي گروه‌هايي فرقه‌ها هم شده است كه خيلي خطرناك است. رواياتي جعل شده و در كتبي آمده و به پيامبر اكرم نسبت داده شده است كه اگر كسي خليفه شد، هر ظلم و جنايتي هم كه كند شما بايد اطاعت كنيد. این‌یک نظريه‌اي شد كه خيلي از فقها هم به اين فتوا دادند و براي آن روايت درست كردند و اين بلاي جان امت شد. در طول تاريخ اموي و مرواني و عباسي، قدم‌به‌قدم تاريخ را ورق بزنيد كه حاكماني جائر، سفاك، بي‌رحم بدون هيچ شرطي از شرایط حاكم، پادشاه شدند و بعد هم وعاظ هم گفتند كه بايد از اين‌ها اطاعت كرد. هر كاري كه كرد حق اعتراض و نقدي براي شما نيست.

اين هم تئوری ديگري است كه خدا مي‌داند كه اگر امام حسين علیه‌السلام قيام نمي‌كرد، چنان اين تئوری قالب مي‌شد كه طومار اسلام را در هم مي‌پيچيد. امام حسين علیه‌السلام جلوي اين سيل مهاجم را گرفت و اگر نگرفته بود، همه‌ي امت اسلام، واژگون شده بود. اين واژگوني بعد هم ادامه پيدا كرد ولي نه این‌قدر كه از اسلام چيزي نماند. اسلام مبارز، اسلام عدالت‌خواه، اسلامي كه پيامبر الگو اسوه‌‌ي آن بود، به اسلامي مبدل شد كه مي‌گويد معاويه و يزيد و خلفاي جور كه نه مشروعيت الهي دارند و نه بيعت درستي وجود دارد نه شرایطی در آن‌ها هست، هر كاري كردند درست است. براي اين روايت درست كردند. براي اين وعاظ و سلاطين فتوا دادند. نتيجه حاكميت اين تئوری غلط، و در عصر معاويه به اوج خود رسيد و نتيجه‌ي اين تئوری‌ها يزيد شد. تئوری كه امامت به خلافت، خلافت به پادشاهي تبديل مي‌شود و پادشاهي با بيعتي بی‌حساب‌وکتاب ولو بيعتي با زور جبر پيدا مي‌شود؛ شرایط در حاكم، مهم نيست و بعد حاكم هر كاري كه كرد بايد از او اطاعت كرد.

برادران و خواهران گرامي؛ در عاشوراي حسيني به اين بايد توجه كرد كه امام در برابر اين واژگوني كلان، در برابر اين سيل مهاجم اموي ايستاد. اين فرهنگ اموي، مي‌گفت خلافت يعني پادشاهي؛ مي‌گفت بيعت با چهار پنج نفر ولو با زور و اكراه. مي‌گفت ادامه‌ي حاكميت بر مردم، نياز نيست ريشه در شرایط الهي و آسماني داشته باشد. اين رشته‌هاي حاكميت را از وحي، قطع كردند. نوعي سکولاریسمی كه در آن مردم هم نبودند. نه خدا وجود داشت و نه مردم. بعد هم تبعيت از هر ظالمي به حدي كه برخي فتوا داده‌اند كه اگر حاكم قدرت را به دست گرفت، فقط اگر اعلام كفر كرد مي‌توان عليه او قيام كرد. ديگر نه امربه‌معروف و نه نهي از منكر لازم است.

#### كنار گذاشتن فرهنگ امربه‌معروف و نهي از منكر

مؤلفه‌ی بعدي اين فرهنگ اموي، كنار گذاشتن فرهنگ امربه‌معروف و نهي از منكر بود. در اثر همين تئوری‌هایی كه گفتيم. كسي امربه‌معروف و نهي از منكر نكند. جلوي حاكم بايد تسليم بود.

#### اجتهاد بي‌پايه

مؤلفه‌ی ديگر اين فرهنگ اموي اجتهاد بي‌پايه بود. هرکسی هر غلطي مي‌خواست مي‌كرد و مي‌گفتند كه اجتهاد كرده است. در تاريخ است كه معاويه برخلاف نظر پيامبر خدا نظر داد. بعد هم پرسيده شد كه غصه چيست؟ گفت: نظر من هم اين است. ما قرآن مي‌گوييم. پيامبر مي‌گوييم. اصول ثابت و ارزش‌هاي بنيادي در دين داريم. اين‌ها اصول بينات اسلام است. همه‌ي اين‌ها را زير شعار اجتهاد غلط، كنار گذاشتند. از اسلام چه ماند؟ هرچه ميل آن‌ها بود با شعار اجتهاد تغيير مي‌دادند.

#### صب و لعن خاندان پيامبر گرامي اسلام

عنصر ديگر پايه‌گذار صب و لعن خاندان پيامبر خدا صلي الله عليه و آله بود. صب را فرهنگ عمومي جامعه كردند. نكته‌ي ديگر قضا و قدر بود. همين حرف مزخرفي كه آل سعود وابسته، در اين فاجعه‌ي غم‌بار گفتند كه قضا و قدر بوده است. این‌قدر شما نادان هستيد كه قضا و قدر، در عرض ساير علل طبيعي وجهي ندارد. شما يك مقدار درك عقلي و فلسفي نداريد. اين شعار قضا و قدر كه وارثان خاندان بني‌اميه امروز مي‌دهند، پايه‌گذارش همين‌ها بودند. هر كاري مي‌كردند مي‌گفتند قضا و قدر بود. عجيب است كه مي‌گويند: پيامبر خدا خليفه تعيين كرد و او این‌طور مي‌گويد: بله پيامبر این‌طور تعيين كرد ولي قضا و قدر خدا چيز ديگري بود. اف بر تو با اين فهم تو نسبت به اسلام.

برادران و خواهران؛ همه‌ي كساني كه در اين روزها زير پرچم امام حسين علیه‌السلام ابراز عشق مي‌كنيد؛ عاشورا يعني هم احياي مذهب و بالاتر از آن يعني مقابله‌ِي با فرهنگ اموي است. همان فرهنگي كه امروز آل سعود و اين‌ها زير سايه‌ي آمريكا به آن دامن مي‌زنند و ترويج مي‌دهند. اين خيلي غلط است كه ما عاشورا را غصه‌ي گذشته بدانيم. عاشورا غصه‌ي امروز ماست. همان انديشه‌هايي كه امام براي آن به شهادت رسيد، امروز مي‌بينيم كه بين امت اسلام انتشار مي‌يابد و دشمنان اسلام آن را تقويت مي‌كنند. اين عاشوراي امام حسين علیه‌السلام است. خدايا به عظمت امام حسين علیه‌السلام ، ما را حسيني قرار بده و حسيني بميران.

## روضه

**السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِك** .‏در داستان عاشورا، همه و نكته به نكته‌ي آن جان‌سوز است؛ اما گوشه‌هايي جان‌سوزتر است. صبح عاشورا، اهل خيام و زنان و بچه‌ها، هنوز اميد دارند؛ اما صبح كه شروع مي‌شود اميدها لحظه‌به‌لحظه كاهش مي‌يابد و كم مي‌َشود. وقتی‌که علی‌اکبر به شهادت مي‌رسد، طاق اميد ضربه مي‌خورد. وقتی‌که حضرت عباس به شهادت مي‌رسد بخش زيادي از اميدها بر باد مي‌رود. هرچند اميدها كم مي‌شود اما روزنه‌اي اميدي باز وجود دارد. مي‌دانيد كي اميد فرزندان و زنان نااميد شد. وقتی‌که صداي اسب را شنيدند و بيرون آمدند و ديدند كه اسب تنها آمده است. اين نشانه‌اي اين بود كه كار امام حسين علیه‌السلام به پايان رسيده است. در تاريخ هست كه زنان بچه‌ها با سرعت بر سر قتلگاه آمدند. كي همه‌ي اميدها به پايان رسيد؟ وقتی‌که ديدند شمر بر سينه‌ي حسين نشسته و شمشير به دست، در حال سر بريدن حسين است. **وَ سَيَعْلَمُ الَّذينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُون[[5]](#footnote-5)**

‏ **(بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ\*أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ\*وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ\*تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ\*فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ)[[6]](#footnote-6)**

صدق الله العلی العظیم.

خطبه‌ی دوم

أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِالْحَمْدُ لِلَّـهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی علی امیر المؤمنین و علی الصدیقۀ الطاهرۀ فاطمۀ الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنۀ و علی ائمۀ المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و خلف القائم المنتظر. ساسۀ العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمن و سلالۀ النبیین و صفوۀ المرسلین و عترۀ خیرۀ رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین.

**أَعُوذُ بِاللَّـهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّـهِ الرَّحْمَـنِ الرَّحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّـهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ[[7]](#footnote-7)عبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله** همه‌ي شما و خود را به تقواي الهي توصيه مي‌كنم

## امام حسين علیه‌السلام و توصيه‌ي به تقوا در طول مسير

سيد و سالار شهيدان، در طول اين سفر و در مواضع مختلف، مردم را موعظه و نصيحت كردند و به تقواي الهي فراخواندند. در روز عاشورا در دو سه موضع، همه را به تقواي الهي دعوت كردند. صبح عاشورا، آن صبح روز خونين و صبحي كه زمين به آسمان وصل شده بود و خالص‌ترين انسان‌ها براي جان‌فشانی، آماده‌شده بودند. صبح عجيبي بود. صبحي كه تمام حق در برابر همه‌ي باطل جمع شده بودند. در گوشه‌هايي از تاريخ، دنيا و آخرت به هم خيلي به هم نزديك مي‌شوند. اصحاب امام حسين علیه‌السلام در آستانه‌ي آخرت بودند. طبق برخي از روايات درهاي آن عالم باز شد و حجاب‌ها كنار روفت و منازل خود را ديدند. امام، صبح عاشورا نصيحت مي‌كند و بازهم فرياد تقوا. «**اتقوا اللّه، و كونوا من الدنيا على حذر»** [[8]](#footnote-8)مردم، از اين دنيا در ترس و حذر باشيد. اين دنيا احوال دگرگون دارد. اين دنيا قابل‌اعتماد نيست. اين دنيا در حال گذر است. در صبحگاه روز حماسي عاشورا باز امام آن صحابي بزرگ خود را به تقوا دعوت مي‌كند. هم آن‌هايي كه در آستانه‌ي آخرت هستند، تمام وجود خود را آماده كردند تا قرباني كنند، به آن‌ها هم مي‌گويد: اتقوا الله. اين خطاب، براي ما نيز هست. تقواي خدا فرياد بيداري و رهايي از نفس و آمادگي براي انجام‌وظیفه است. «**اتقوا اللّه، و كونوا من الدنيا على حذر**». اين سخنان امام حسين علیه‌السلام در روز عاشوراست. خدا ما را به شنيدن پيام تقواي عاشورا موفق بدار.

## گراميداشت شهادت سردار همداني به دست گروهك داعش

ايام سوگواري امام حسين علیه‌السلام را تسليت عرض مي‌كنم. شهادت شهيدان، به‌ویژه سردار همداني، سردار بزرگ اسلام كه در جبهه‌ي دفاع از حرم زينب کبرا و دفاع از خاندان پيامبر و انقلاب اسلامي به شهادت رسيد. شهداي انقلاب، شهداي دفاع مقدس، شهداي مقاومت، شهداي مدافع از حرم و شهداي بين‌الملل اسلامي در يمن و بحرين و همه‌ي نقاط اسلامي، ياد و خاطره‌ي آن‌ها را گرامي مي‌داريم و اميدواريم كه خداوند همه‌ي اين شهدا و امام شهيدان، با سالار شهيدان محشور بفرمايد.

چند مطلب را فهرست‌وار عرض مي‌كنم.

## توصيه‌هايي به هيئت‌هاي عزاداري

در ايام سوگواري شهادت امام حسين علیه‌السلام بايد تقدير و تشكر كرد از همه‌ي جوانان و شورآفرينان حسيني. همه‌ي هيئت‌ها و مداحان و اهل منبر و مردم عزيز و جوانان شريف و زنان و مرداني كه در احياي عاشورا، سر از پا نمي‌شناسند. آفرين بر اين ملتي كه عاشورا را همواره زنده نگه داشته‌اند. در طول قرن‌ها ملت ايران، پرچم‌دار عاشورا بوده است و اين سال‌ها هم روزبه‌روز بر شكوه عاشورا افزوده‌ايد. خدا به شما جزاي خير دهد. اين بهترين آزمايش براي شماست. در زمان انقلاب، دفاع مقدس، امروز شما حقيقت عاشورا و شعار عاشورا را زنده نگه داشته‌ايد. امسال هم به فضل الهي عاشورا در ايران و جهان، به بركت شما زنده‌تر شده و خواهد شد. در هفته‌ي قبل هم در قم عرض كردم كه بنده به دليل ارتباطي كه با كشورهاي مختلف دارم، هرسال پرونده‌ي عاشورا را دنبال مي‌كنم. هرسال به بركت انقلاب و شهدا و مقاومت شما، پرچم عاشورا در سراسر جهان سرافرازتر است. اين افتخار براي شما مردم ايران است.در همه‌ي عالم، امروز، پرچم امام حسين علیه‌السلام را به اهتزاز درآوردند. برخي كه ادعاي ولايت مي‌كنند ولي از عاشورا و انقلاب اسلامي فاصله دارند، دروغ مي‌گويند و نادان هستند. عاشورا با انقلاب اسلامي زنده شد. موج عشق به كربلا به بركت انقلاب و شهدا زنده شد. از همه بايد تشكر كرد و تأکید مي‌كنم كه در عزاداري‌ها نظم را رعايت كنيد. وحدت و انسجام هيئت‌ها در شهر و محلات. سوم نظافت و آراستگي در ذبح و مسائل مرتبط با آن. چهارم اطعام فقرا. اطعام خود را جهت‌دار كنيد تا فقرا بهره‌مند شوند. در غذا و ساير امور مانند ازدواج و امثال اين‌ها. مهم‌تر از اين‌ها اين است كه عاشورا را حماسي و عرفاني قرار دهيد. عاشورا بايد روح بدهد. عاشورا بايد به عاشوراي امروز متصل شود. عاشوراي جداي از ولايت و رهبري عاشورا نيست. درست خواندن مسائل سالار شهيدان. دور شدن از خرافات و موهومات چيزهايي است كه متناسب شئون خاندان پيامبر نيست. اين‌ها توصيه‌هايي است كه همه عمل مي‌كنند. بنده هم از هيئت‌ها و كساني كه ايجاد نظم مي‌كنيد و ايجاد حماسه مي‌كنيد، تشكر مي‌كنم و اميدوارم خداي متعال از شما قبول كند.

## هفته‌ي امربه‌معروف و نهي از منكر

نكته‌ي دوم، هفته‌ي امربه‌معروف و نهي از منكر است. عاشورا يعني امربه‌معروف و نهي از منكر. امام حسين علیه‌السلام از مدينه كه حركت مي‌كنند، در مدينه فرياد امربه‌معروف و نهي از منكر؛ در ميانه‌ي راه فرياد امربه‌معروف و نهي از منكر؛ در مكه صداي بلند امربه‌معروف و نهي از منكر را شما مي‌شنويد. در ميانه‌ي راه به سمت كوفه باز همین‌طور و به سمت كربلا و در روز عاشورا و بعد هم پيام‌آوران عاشورا. در جای‌جای اين حركت مي‌بينيد يك شعار مشترك برافراشته شده كه آن امربه‌معروف و نهي از منكر است. در برابر همه‌ي مفاسد، با اصول و ضوابطي كه شرع تعيين كرده است. اگر همه‌ي ما اهل اين باشيم كه تذكر بدهيم، در برابر منكر اخم كنيم؛ همين خيلي از مشكلات را رفع مي‌كند. امروز بنيان زندگي معنوي و خانوادگي ما در معرض تهديد است. پيام عاشورا احياي امربه‌معروف و نهي از منكر است. يك بخشي بر عهده‌ي نيروي انتظامي و ستاد امربه‌معروف و نهي از منكر و بسيج و دستگاه‌ها هست كه بايد انجام دهند؛ اما اصل فرهنگ امربه‌معروف و نهي از منكر دست شما، جامعه و مردم است.

### نقش مردم در امربه‌معروف و نهي از منكر

اگر همه اراده كنند و گفتن و نصيحت را مبنا قرار دهند، خيلي از مشكلات حل مي‌َشود. همه‌ي معروف‌ها و منكرات كه بخشي به حجاب و عفاف است كه خيلي مهم است. بخشي مربوط به ادارات و مسئولان است. هفته‌ي امربه‌معروف و نهي از منكر را گرامي مي‌داريم و اميدواريم كه همه در پرتو عاشورا، فرهنگ امربه‌معروف و نهي از منكر را احيا كنند. عاشورا را بايد گرامي داشت. امربه‌معروف را بايد احيا كرد. عاشورا با انواع شكل‌ها، مهم‌ترين شكل آن اين است كه امربه‌معروف به بدنه‌ي آن وارد شود. شما امروز در اينجا همايش شيرخوارگان حسيني را داشتيد. از همه‌ي خانواده‌ها تشكر مي‌كنم؛ ولي اصل مسئله اين است كه به امربه‌معروف و نهي از منكر برسيم.

## هفته‌ي ورزش و تربیت‌بدنی

هفته‌ي تربیت‌بدنی ورزش را گرامي مي‌داريم. طبعاً مقوله‌ِي تربیت‌بدنی ورزش با رعايت اخلاق اسلامي و فرهنگ عمومي اهميت دارد كه بايد مسئولان ما و مردم به آن توجه كنند.

## روز صادرات

مناسبت صادرات هست كه در ضمن بحث بعدي آن را عرض خواهم كرد.

## اهميت سخنان رهبري در مورد مقوله‌ي نفوذ

اما سخن اخيري كه بايد به آن توجه كنيم اين است كه ما در طول يك سال اخير، درگير قصه‌ي برجام و مذاكرات بوديم. اين قصه با همه‌ي فرازوفرودها و قوت و ضعف‌ها به نحوي پشت سر گذاشته شد. همه‌ي دنيا به نحوي در آزمون قرارگرفته‌اند. آنچه امروز ما بايد به آن توجه داشته باشيم، مجموعه‌اي است كه رهبري معظم به آن تأکید كردند. اين را نبايد به شوخي گرفت. اين منظومه‌ي فكري رهبري در اين چند ماه اخير، نفوذ بيگانه است. اين را مسئولان نبايد به‌سادگی از كنار آن عبور كنند. جامعه و كشور نبايد آن را دست‌کم بگيرد. مي‌دانيد اين نفوذ يعني چه؟ معناي نفوذ اين است كه غربي‌ها با تجربه‌هاي چند قرني كه دارند و با تجربه‌هايي كه در طول اين سال‌ها اندوخته‌اند، درصدد اين هستند كه دژ مستحكم انقلاب اسلامي را واژگون كنند و بشكنند.

### آثار عدم همراهي مردم با ولايت

اين‌ها را نبايد جناحي تفسير كرد. روشنفكران و حوزويان و دانشگاهيان و همه‌ي ما نبايد سخني كه رهبري در جايگاه نگهباني از ملت و انقلاب مي‌فرمايند را در غالب‌هاي تنگ خود بريزيم. اين سخنان، ابعاد مهم تاريخي دارد. اگر امروز گوش نكنيم، ضربه‌ي آن را خواهيم خورد. امام حسين علیه‌السلام در مدينه فرمودند. فرمودند: فمثلي لا يبايع لمثله‏. يا در جاي ديگر فرمودند: من از جدم شنيدم كه فرمود: خلافت بر آل ابوسفیان حرام است. اما شما مردم گوش نكرديد. نتيجه‌ي آن يزيد شد. رهبري چيزي كه مي‌گويد يعني اين. تجربه‌ي ما اين است. ملت ما در طول اين سال‌ها نه دنياي او برتر از كشورهاي منطقه است بلكه در جاهايي پيشرفته‌تر است. در كجاي اين منطقه سراغ داريد كه دانشمندان جوانشان به قله‌ي انرژي هسته‌اي رسيده باشند. كدام از كشورهاي منطقه هست كه در مسائل علمي این‌قدر پيشرفته باشند. مشكلاتي كه كشورهاي منطقه دارند بيشتر از ماست. افغانستان، پاكستان و همين تركيه كه مقداري پيشرفته‌تر است را مقايسه كنيد. دنياي آن‌ها از شما بهتر نيست و در برخي مسائل مانند امنيت و اقتصاد و مسائل علمي بدتر از شما هستند. آخرتي هم كه ندارند. گوش به فرمان اربابان ظالم دنيا هستند. اين‌ها به بركت شهداي انقلاب، امام و رهبري است كه به‌دست‌آمده است. اين براي آن‌ها قابل‌تحمل نيست. اين مدل دنياي امروز را تغيير مي‌دهد. اين پيام خيلي مهمي براي همه‌ي عالم دارد و مي‌خواهند كه آن را از بين ببرند.

### راه‌هاي مقابله با تفكر انقلاب اسلامي

يك راه آل سعود و داعش است كه همه دست خودشان است و در آنجا طراحي شده است. اما راه مهم‌تر اين است كه در اين ملت نفوذ كنند. جوان ما را از انديشه‌ي اسلامي و ارزش‌هاي اسلامي و انقلاب اسلامي، تهي كنند. اشاره فرمودند: مهم‌ترين سنگ بناي نفوذ حالا برجام بهانه مي‌شود و اين را درست مي‌كنند تا ذهن و اعتماد جامعه را تخريب كنند. قطعاً ملت ما تسليم نمي‌شود. ملت ما فريب ناداني‌ها را نخواهد خورد. فريب ظلم و ستم‌ها را نخواهد خورد. اين ملت با همه‌ي سختي‌ها دست‌وپنجه نرم مي‌كند و گوش به اين وادادگي‌ها نخواهد خورد. در همين روزها مهم‌ترين تجربه‌هاي موشكي خود را به نمايش گذاشتند و تجربه‌ي مهمي را نمايش دادند. ملت ما محكم ايستاده است. مهم‌ترين مسئله‌ي كشور، نفوذ است. نفوذ اعتقادي، فرهنگي، اقتصادي است كه شاه‌بیت فرمايشات ايشان است و مي‌خواهم كه اين را شوخي تلقي نكنيد. خطر امروز وادادگي و ضعف است. اقتصاد بر اساس خام‌فروشي و تجملات است. خطر امروز اين است كه از آرمان مقاومت اسلامي عقب بنشينيم. اگر از سوريه و جاهاي ديگر عقب بنشينيم، به سراغ ما مي‌آيند. شما ملت امروز در دنيا حرف داريد. اتحاديه‌هاي جهاني راه مي‌اندازيد. آن‌ها مي‌خواهند اين دژ را بشكنند. بي‌ترديد ملت ما با تكيه بر فرهنگ عاشورا در برابر فرهنگ اموي و تسليم شدن در برابر دشمنان و ضعف و زبوني خواهد ايستاد و با همه‌ي وجود اين را به نمايش خواهد گذاشت. اگر از خود ضعف و سستي نشان دهيم و تسليم حرف‌هاي پوچ شويم؛ ذوق‌زده شويم و ذره‌اي كوتاه بياييم، تجربه‌اي اين‌ها اين است كه به احدي در عالم رحم نمي‌كنند. آن‌ها آن وضعي كه در دنيا ايجاد كردند مال خود اين‌هاست. خوني كه در يمن ريخته مي‌شود مال اين‌هاست. فاجعه‌ي منا مال خود اين‌هاست. اگر در ما نفوذ كنند و ما تحليل درستي نداشته باشيم، روزگار سختي خواهيم داشت. ملت ما بيدار و درصحنه خواهد بود و از فرمان رهبري اطاعت خواهد كرد و در برابر همه‌ي انحرافات خواهد ايستاد.

در پايان، ضمن تقدير و تشكر مجدد از همه‌ي هيئت‌ها و عزاداري‌ها، به دليل این‌که سفر لازمي كه دارم هرسال در عزاداري‌ها شركت مي‌كردم و از زوار حجاج هم ديدن مي‌رفتم كه امسال در هیچ‌کدام از مراسم‌ها توفيق شركت ندارم و ازاین‌جهت از حجاج و عزاداران، عذرخواهي مي‌كنم و التماس دعا دارم.

**دعا**

نسئلک اللهم و ندعوک، باسمک العظیم الاعظم، الاعز الاجل الاکرم یا الله

خدایا دل‌های ما را به انوار ایمان روشن بفرما؛ اللهم اغفر للمومنین و المومنات والمسلمین والمسلمات؛ اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله؛ اللهم انصر جیوش المسلمین و عساکر الموحدین؛ خدایا خدمتگزاران به اسلام و مقام معظم رهبری و مراجع عظام را مؤید و منصور بدار؛ ارواح تابناک شهیدان و امام شهیدان و اموات و درگذشتگان و مراجع و علمای فقید ما و درگذشتگان این جمع را با اولیای خودت محشور بفرما؛ باران رحمت و برکاتت بر ما فرو بفرست؛ سلام ما را به محضر امام عصر علیه‌السلام ابلاغ بفرما؛ ما را از یاران او مقرر بفرما.

1. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . نهج البلاغة، خطبه 204، ص 234. [↑](#footnote-ref-2)
3. 2. سوره‌ی بقره‌ُ، آیه‌ی 197. [↑](#footnote-ref-3)
4. . موسوعه‌ي كربلا، ج 1، ص 411. [↑](#footnote-ref-4)
5. . سوره‌ي شعرا، آيه‌ي 227. [↑](#footnote-ref-5)
6. . سوره‌ی فیل، آیات 1تا 5. [↑](#footnote-ref-6)
7. . سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی 102. [↑](#footnote-ref-7)
8. . سيرة الأئمة الاثني عشر(ع)، هاشم معروف ،ج‏3، ص14؛ تاريخ دمشق : ج 14 ص 218 ، كفاية الطالب : ص 429 . [↑](#footnote-ref-8)